

پس انداز در تفکر اسلامی

نظام اقتصادی و اجتماعی که اسلام پایه گذارده است، براساس تفکری ژرف با بنیانی مستحکم بود؛ زیرا تفکر اسلام حول محور جامعه مدنی و تعامل و تعادل در امور بود.



نظام اقتصادی و اجتماعی که اسلام پایه گذارده است، براساس تفکری ژرف با بنیانی مستحکم بود؛ زیرا تفکر اسلام حول محور جامعه مدنی و تعامل و تعادل در امور بود.

در جامعه اسلامی اسراف و افراط جایی نداشته و تفریط نیز بشدت تقبیح می شود، از این رو یک مسلمان که در جامعه متمدن اسلامی زندگی می کند با تفکر معنوی حاکم بر جامعه و فهم حقیقی از آموزه های اسلامی می کوشد با تعادل و تعامل زندگی کند، یعنی دنیا و آخرت را توأمان در نظر داشته و به بهانه کسب یکی از آن دو، دیگری را خراب و آلوده نکند.

این نوع اندیشه باعث می شود که پویایی و شکوفایی در جامعه ایجاد شود که نمونه این موضوع را می توان در سیر زندگی پیامبر اکرم(ص) مشاهده کرد، چه ایشان در جوانی به امر تجارت مشغول بوده اند و این موضوع حضرت را از توجه به آخرت باز نمی داشت و از این رو به اصحاب خویش نیز این گونه آموخته بودند که با کد یمین و عرق جبین روزی به دست آورند و امرار معاش از راه حلال را معادل جهاد در راه خدا قلمداد می کردند.

از مقدمه فوق می توان اهمیت اقتصاد و امرار معاش از طریق حلال را فهمید؛ اما این امر دارای شرایع گوناگون است که هرکس در کسب و کار خویش (معاملات) باید بدان آگاه بوده و از چارچوب احکام شرع مبین خارج نشود که از آن دست محرمات است؛ ربا، تجمیع ثروت (زراندوزی)، غبن در معاملات، کم فروشی و....

اما یکی از مواردی که در اقتصاد اسلامی مورد بحث قرار گرفته «پس انداز» است، این موضوع با رویکرد های گاه متفاوتی روبه رو شده و هر کس بنا بر استنباط خویش نظری ارائه داده است. آموزه های اسلامی در این موضوع راهگشاست؛ اسلام که افراط و تفریط را تقبیح می کند و حد اعتدال را تعلیم می دهد قائل به این است که تجمیع ثروت امری نارواست و جامعه اسلامی را دچار فترت می کند، آیه 34 سوره توبه به این امر اشاره دارد: «و الذین ینکزون الذهب و الفضة و لایفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم» (آنان که طلا و نقره را گنج کرده ذخیره می کنند و آن را در راه خدا به مصرف نمی رسانند به عذابی دردناک بشارت ده) و نیز همین آموزه ها تعلیم انفاق و ایثار و کمک به هم نوع را می نماید و به تعاون در امور ارج وافی می نهد که تمامی این امور برای تعالی جامعه اسلامی و تحقق مدینه فاضله و جامعه آرمانی لازم و ضروری است.

اما این مال اندوزی و تجمیع ثروت را نباید با پس انداز و ذخیره کردن مال قلب و خلط کرد، زیرا این دو موضوع کاملا متفاوت بوده و شاید فقط شباهتی لفظی و ظاهری داشته باشند، زیرا آیه قرآن اشاره به جمع آوری ثروت دارد، در صورتی که جامعه مسلمین عموما نیازمند آن است یا جمع آوری ثروت بر کسانی که دنیاداری را بر آخرت برگزیده اند و پول و ثروت را بند خویش قرار داده اند و روی از خدا تافته اند؛ اما اگر شخصی علی الخصوص در عصر حاضر با تمامی فشارهای مالی که بر گرده مردم است با رنج فراوان و سختی های بسیار که بر خود هموار می کند و با گذشتن از برخی خواسته های حتی ضروری خویش و اعضای خانواده قسمتی از درآمد خود را (طی سال ها یا حتی چند ده سال) پس انداز می کند به امید این که روزی بتواند با تجمیع این ثروت اندک فکری را تحقق بخشد و امری را برای خود و خانواده مهیا سازد مثلا خانه و سرپناهی ابتیاع کند و از این دست امور که همه ما به نوعی با آن روبه رو هستیم، نمی توان نام این کار را مال اندوزی و تجمیع ثروت نهاد.

از این رو یکی دانستن این دو موضوع نه انصاف مسلمانی و نه گرامیداشت انسانیت و جامعه انسانی است که علمای ما بخوبی به این امور آگاهی دارند و از این روست که برای این قبیل موضوعات برخی از علمای عظام (پس انداز برای مدت مشخص و انجام هدف خاص) خمس تخصیص نفرموده اند.

باز یادآور می شویم که «پس انداز» با تفکر اسلامی مبنی بر آبادانی دنیا و عقبا و توجه توأمان به هر دو موضوع تفاوت و تعارض نداشته، بلکه یکی از ارکان پابرجایی کانون خانواده نیز محسوب می شود، زیرا پس انداز باعث می شود با توجه به رخدادهای ناگهانی که در زندگی بشر علی الخصوص در دنیای مدرن رخ می دهد به قول معروف برای روز مبادا سرپرست خانواده قادر به حل و فصل معضل شود و شدت و حدت صدمه یا امر دیگر را اندکی کاهش دهد، یا اگر برادر ایمانی او دچار مشکل شود از همین پس انداز خویش رفع معضل کند و خدمتی نیز به هم نوع خویش ارائه دهد و نیز باید به این نکته توجه داشت که آموزه های دین مبین اسلام فقر را بشدت نکوهیده و مسلمان را از آن برحذر داشته است. حضرت علی(ع) در این باره خطاب به فرزند خویش محمد حنفیه بیان کرده اند: «ای فرزند من از تهیدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر که

همانا فقر دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان می کند و عامل دشمنی است.» در فرمایشات حضرت است که سرمایه برای کار و کسب روزی را یک مسلمان باید در اختیار داشته باشد و با اصل آن به کار مشغول شده و از درآمد آن بهره برد، چنان که در فرازی از وصیت نامه خویش می فرمایند: «... و باکسی که این اموال در دست اوست شرط می کنم که اصل مال را حفظ کرده، فقط از میوه و درآمدش بخورند و انفاق کنند؛» از این رو پس انداز با این رویکرد که می توان گفت عموم جامعه به آن مبتلا هستند نه تنها امری مذموم نیست، بلکه بسیار صحیح و کارآمد می نماید و اقل آن این است که انسان در مواقع سختی دست نیاز به هم نوع خویش دراز نمی کند که خود این موضوع نیز در تعالیم اسلامی بشدت نکوهش شده است.

از منظری دیگر امروزه در سیستم بانکداری «پس انداز» به عنوان قرض الحسنه ای محسوب می شود که از شکل سرمایه راکد به سرمایه در گردش تبدیل شده و در توسعه و آبادنی جامعه و تولیدات داخلی و فعالیت های فردی و جمعی بسیار نافع است، یعنی پس انداز یک شخص می تواند در جامعه کارآمد بوده و تبعات خیر برجای گذارد و در امور عام المنفعه مشارکت کند. به هر روی از این منظر پس انداز امری نافع و کاری شایسته است که یکی از ضروریات جامعه کنونی می نماید، البته هدف و غایت این امر نیز موضوعی است که باید در نظر داشت تا صرف پس انداز با مال اندوزی هم معنی نشده و این کار صحیح با امری قبیح همگون نشده و دچار آفت شرعی و معنوی نشود.

منابع:

– امام علی(ع) و اقتصاد، محمد دشتی، انتشارات مشهور، 1386

– فقه و اقتصاد اسلامی، سیدمحمد محمودی گلپایگانی، نشر گلستان کوثر، 1379

امیر هاشم پور / جام جم